

"رنگ و طرح پارچه در لباسهای سنتی آذربایجان (استان اردبیل)"

لیلا حیدراسلام - هنرآموز طراحی لباس

۱ - مقدمه

پوشاک بارزترین نماد فرهنگی، مهم ترین و مشخص ترین مظهر قومی و سریع الانتقال ترین نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در بین جوامع گوناگون انسانی قرار میگیرد، حتی عده ای را عقیده بر این است که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری در وهله اول از طریق انتقال پوشاک صورت میگیرد و حتی میتوان به تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه تولید آنها را نیز دچار دگرگونی نمود و تغییرات و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه ایجاد کرد. در شکل گیری و ترکیب پوشاک محلی هر قومی عوامل عمده ای مؤثرند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- مذهب، چنانچه معتقدان به مذهب خاصی سعی میکنند کلیه اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی و از جمله پوشاک خود را با موازین آن مذهب هماهنگ کنند.

۲- شرایط و عوامل طبیعی، یکی از عمده ترین جنبه های کاربردی پوشاک حفاظت تن در مقابل عوارض آب و هوایی و نیز خطرات و ضربه ها و تماس های ناشی از فعالیت های روزمره است، از این رو محیط و شرایط طبیعی در شکل گیری مؤثر است.

۳- شیوه معیشت و نوع فعالیت، معیشت مسلط در جامعه ای روی پوشاک آن جامعه مؤثر است. مثلاً "چنانکه نوع معیشت جامعه ای دامداری باشد معمولاً" مواد اولیه پوشاک آن جامعه از پشم تشکیل میشود.

۴- منزلت اجتماعی، جنس، رنگ شکل، زیورها و ضمایم پوشاک در هر جامعه ای به منزله علامت و نشانه خاص برای معرفی اقوام مختلف است و به پوشنده آن منزلت اجتماعی ویژه ای میدهد.

۲- پوشاک مردم در آذربایجان

آب و هوای تقریباً یکسان آذربایجان که عموماً سرد است، این نیاز را پیش آورده است که لباسهای مردم آذربایجان از جنس موادی ضخیم و گرمازا تهیه شود. دامداری و گذشته های دور این امکان را به اهالی داده است که از محصولات دامی و پوستی در حد اعلا در تهیه البسه و پوشاک استفاده نمایند. از طرف دیگر رونق کشاورزی در منطقه نیز امکان دستیابی به مواد گیاهی را در خصوص تهیه این ملزومات امکان پذیر ساخته است.

شکل پوشاک زنان و مردان در استانهای آذربایجان از تقریباً الگویی یکسان پیروی می کند. مقتضیات جغرافیایی و اقتصادی استان امکان حفظ الگوی نسبتاً ثابتی در پوشش را فراهم کرده اند. از طرف دیگر برخوردهای مداوم فرهنگی ناشی از رونق اقتصادی و تجاری موجبات روزافزون و یکسان شدن پوشش مردان و زنان در استان آذربایجان شرقی و اردبیل بویژه در شهرها با دیگر مناطق ایران می شود. تنها در عشایر کلیبر شکل خاصی از پوشاک زنان مشاهده گشته که وجود دهان بند یا " یاشماق " وجه ممیزه آن است. در پوشاک این زنان دامنهای بلند چین دار تا میچ پا و پیراهن بلند بر روی آن که در دو طرف چاک دارد، از ویژگیهای اصلی پوشش محسوب میشود. ولی این شکل پوشش عام نیست. در روستاها پیراهن تا سر زانو که از کمر چین میخورد با شلوار گشاد پارچه ای و روسری شکل نسبتاً رایج پوشش زنان به شمار میرود که نظیر آن در دیگر روستاهای ایران نیز دیده میشود. لازم برای تهیه پوشاک جز در تهیه جورابها و کلاهها و دستکش های کرکی که از پشم رسیده دامها تهیه میشوند، معمولاً از طریق تجارت و در بخش خدمات تهیه میگردند. بنابراین پوشش اصلی زنان و مردان معمولاً از موادی تهیه میشود که در استان به دست نمی آید.

۲-۱- پوشاک مردان

۲-۱-۱- سرپوش مردان

پهلوی بورک: از جنس پارچه های ضخیم بوده و معمولاً " در شهرها تولید و در مناطق شهری و روستائی مورد.

قرار می گیرد. در آذربایجان به کلاه بورک یا پاپاق می گویند که انواع معمول آن عبارتند از:

قزاقی بورک: همانند کلاه پهلوی است، که بیشتر در روستاها مورد استفاده روستائیان قرار می گیرد.

کچه بورک: از جنس نمد که بیشتر چوپانها و عشایر از آن استفاده میکردند. بعضی اوقات نیز در روی نمد نقش هایی نیز دیده میشود.

چینی بورک: از جنس پارچه پنبه ای به صورت یک تکه دوخته می شده است.

کپی: نوعی کلاه که در قسمت پیشانی دارای سایبان بوده، همانند کلاه های پهلوی بورک و قزاقی.

عرفچین: از جنس نخ های پنبه ای است که افراد کهنسال و مخصوصاً " حجاج در هنگام نماز بر سر می گذارند.

عرفچین گلداز: بصورت نیم استوانه ای از جنس پارچه های گلدار که عبارتست از دو قسمت وسط و کناره که بیشتر جوانان در سال های گذشته بر سر می گذاشتند. در هنگام عروسی برای داماد نوعی از آن را با استفاده از پارچه ابریشم می دوختند.

تل بورک: نوعی کلاه همانند عرقچین که معمولاً "حاجی ها و شیخ ها بر سر می گذارند.

توخونما بورک: همانند عرقچین است که با استفاده از نخ های پنبه ای بافته می شود.

ایپ بورگی: نوعی کلاه بافته شده از پشم شتر بوده است.

یون بورک: نوعی کلاه بافته شده از پشم گوسفند یا کرک بز است.

دری بورک: از پوست بره تازه بدنیا آمده که بسیار لطیف است تهیه می شود. معمولاً "بره هایی که رنگ پشم آنها مشکی باشد انتخاب نموده بعد از پوست گرفتن قسمت چرمی آن را دباغی می کنند و در ساخت کلاه استفاده می کنند.

دورگه: نوعی کلاه به شکل استوانه ای کوتاه که قسمت کناره آن از پوست بره اغلب در رنگهای طبیعی (مشکی و قهوه ای) و قسمت وسط کلاه از پارچه بوده است. این کلاه مخصوص افراد متمول و مشایخ بوده است.

شکاری بورک: از جنس کاموا که توسط زنان با استفاده از میل بافتنی تهیه و بافته می شد.

لبه دار: شکل این نوع کلاه نیم استوانه ای بلند که دور تا دور کاسه آن نوار دیگری بصورت لبه متصل است. که به شکل سایه بان عمل می کند در دو نوع پلاستیکی و تابستانی است و نوع پارچه ای که معمولاً "در زمستان استفاده می شود. جنس این نوع لبه دارها معمولاً" از نوع پارچه ماهوتی پشمی است.

کلاه کاموایی: که با استفاده از کاموار بافته شده و در سالهای اخیر رواج بیشتری در شهرها و روستاها یافته است.

۲-۱-۲- تن پوش مردان

پیراهن: پیراهن های سنتی مردان در اردبیل و آذربایجان شرقی معمولاً به دو شکل یقه چپ و یقه ساده تقسیم می شود. در نوع یقه چپ در قسمت جلوی پیراهن تا روی سینه باز بوده و زائده ای مثلثی شکل از سمت راست به سمت شانه چپ وصل میشود که با استفاده از دگمه های نر و ماده قابل باز و بسته شدن بوده است. یقه ساده، یا یقه ملایی که همانند یقه چپ، تا روی سینه باز بوده و یقه پیراهن گرد و ساده بوده است، معمولاً "با سه عدد دگمه نیز باز و بسته نزدیک به ۶۰ سال است که پیراهن همانند مدل های فعلی و با دگمه های سرتاسری از گردن تا پایین کمر می شد. و یقه های شکاری رواج یافته است. نوع دیگر پیراهن مردانه معمولاً در آذربایجان که مخصوص محصل ها در سابق بوده و پیراهن مدرسه ای بدان می گفتند. تقریباً "بلندتر از پیراهن های معمولی بوده و از زیر گلو تا پایین دگمه داشته است. دو جیب در طرفین و یک جیب در روی سینه سمت چپ داشته به همراه شلوار محصلی استفاده می شد.

توخونما کوبینه

نوعی تن پوش پشمی از پشم گوزم که معمولاً "بعد از رسیدن پشم توسط زنان، با استفاده از میل های بافتنی آماده و بافته میشود.

یاخالق

از نظر شکل همانند پیش بند می باشد که در هنگام کار بر روی لباسها پوشیده و از پشت کمر با دو بند به کمر محکم می شود.

یاقاسیز کوبینه

همانند پیراهن های معمولی منتهی تا روی سینه باز بوده و با استفاده از دو دگمه بسته و باز می شود. در دور گردن آن فاقد یقه است و همانند یقه ملایی ساده است

پالتو (پلتو)

در جنس پارچه های پشمی که توسط زنان در خانه ریسیده شده و سپس توسط زنان درباخته سپس با دست و آب گرم می مالیدند (همانند کار نمذ مالی) سپس پارچه پشمی را به درزی (خیاط) میدادند تا بر قامت دلخواه بدوزد. شکل ظاهری آن همانند پالتوهای مردانه امروزی است و از پشت نیز چاک تا بالای کمر می خورد.

ایپ پنجه

از جنس الیاف پشمی است که زنان پارچه را تهیه دیده سپس به خیاط میدهند تا بدوزد. شکل ظاهری آن همانند کت های معمولی مردانه است. علاوه بر پارچه پشمی از پارچه های فاستنیه یز جهت دوخت کت استفاده میکردند.

بوزملی آرخالق

از نظر شکل از دو قسمت بالاتنه که همانند کت های معمولی بدون یقه و بصورت گرد و بعضاً "بصورت یقه هفت میباشد و قسمت پایین تنه تا بالای زانو، چند برابر دور کمر از جنس پارچه زمینه به آن چین وصل میکنند، معمولاً" تا روی کمر با استفاده از ۵ یا ۶ عدد دگمه کت باز و بسته شده و قسمت پایین تنه بصورت باز میباشد، جنس پارچه جهت دوخت آن در سابق از پارچه های فام، سری، پشم بود و اگر پارچه بز را با جوهر رنگ میکردند به نام پارچه قدح جهت دوخت لباس های متمولین مورد استفاده قرار می گرفت و معمولاً "قسمت بالاتنه آن آستر میدوزند تا شق و ایستاده باشد. لازم به توضیح است که پارچه سری از الیاف ابریشمی است که در منطقه داران بافته می شد.

جلیقه

همانند جلیقه های معمولی فعلی است ولی جنس پارچه آن از پشم و ایپ بوده که معمولاً "قسمت جلوی جلیقه را از پشم میدوزند و قسمت پشت آنرا از پارچه های سری یا ساتن میدوزند. در قسمت جلوی جلیقه نیز ۳ یا ۴ عدد جیب تعبیه میکنند و یقه آن معمولاً" به صورت یقه هفت میباشد.

عابا

همانند عباي معمولی آخوندها است که در فصل زمستان بیشتر استفاده میشود، جنس پارچه آن از نخ های پشمی است که توسط زنان روستایی بافته میشود، بعد از تهیه پارچه را به دست خیاط می سپردند تا به اندازه قامت هر فرد دوخته شود.

شلوار (شالوار)

از نظر شکل ظاهری همانند پیژامای معمولی بوده و در قسمت کمر به اندازه ۲ سانت از لبه خط کمر تا نموده از میان آن لیفه یا بند ابریشمی به نام تومان باغی عبور می دادند. امروزی با کمر و زیپ جلوی شلوار معمول شده است.

زیر شلوازی

از پارچه های موسوم به سحری نوع کوتاهتر شلوار را برای مردها و پسر بچه ها می دوختند و در کمر آن از تومان باغی استفاده میکردند، بعدها با ورود و رواج کشتی از آن استفاده میکردند.

گیمه

نوعی پیراهن مردانه فاقد دگمه که از قسمت گردن اندکی گشاد بوده که می توانستند به راحتی برش کنند. معمولاً" این نوع پیراهن توسط زنان خانواده بافته میشود

شال گردن (بویون شالی)

از نخ های پشمی یا پنبه ای می بافتند. معمولاً" برای بافت شال از جولفا بافی استفاده میکردند و از آن پارچه شال را می بافتند. بعدها با رواج کاموا و نخ های پشمی و از رونق افتاده دستگاههای پارچه بافی سنتی، بافت شال گردن با استفاده از میل بافتنی و نخ های پشمی رواج یافته است.

پاپوش مردان

کفش های چرمی، لاستیکی، گالش، چکمه، کتانی، پلاستیکی، پارچه ای، چاریق از مهمترین انواع پاپوش های مردان در آذربایجان شرقی می باشد

چاریق

از پوست دباغی شده گاو به قالب پای هر کس کفش را بریده، سپس اطراف آن را با بندهایی از چرم محکم می کشیدند، اضافه بند را نیز دور مچ پا، محکم گره میزدند. این نوع کفش در فصل زمستان از روی کفش های حصیری پوشیده میشد تا احتمال لغزیدن را پایین بیاورد.

۲-۲- پوشاک زنان

۱-۲-۲- سرپوش زنانه

سرپوش غالب زنان و دختران آذربایجانی روسری های دوخته و حاظری بازاری است که از جنس های ابریشمی حریر، توری، و غیره که معمولاً در شهرها تهیه و جوانان و میانسالان از آن استفاده می کنند. در کنار این سرپوش از سرپوش های سنتی و محلی دیگری مخصوصاً در مناطق روستائی استفاده می شود که اهم آنها عبارتند از:

عرقچین

عرقچین نوعی کلاه ساده مرکب از دو قسمت کناره و وسط که معمولاً "از پارچه های مخمل و سبز به رنگ مشکی دوخته می شد، قسمت وسط به شکل دایره و اطراف آن به اندازه دور سر از یک تکه پارچه مستطیل شکل بریده شده با دوختن دو طرف مستطیل و با مقداری چین به قسمت دایره وصل می شد.

این نوع سرپوش در زمان قدیم استفاده بیشتری داشته و امروزه معدودی از زنان مسن از آن استفاده میکنند، همچنین در سابق قسمت پایینی عرقچین که از روی پیشانی بیرون می ماند را با دوزن دوزی یا سکه های قلاب دار سکه دوزی میکردند و معمولاً "برای نگهداری آن در فوق سر و محکم ماندن در زیر روسری با بندهای نقره ای و یا با نخ های بافته رنگین در زیر چانه محکم می شد.

چارقد

عبارت است از روسری بزرگ در طول و عرض 3×3 از پارچه هایی سفید با گل های ریز و کوچک، سفید چلواری و پارچه های الوان و از جنس نخی و وال که امروزه نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بعضاً "در اطراف و چارگوش آن را به صورت نخ کشی کرده و ریشه ریشه می کنند که به این طریق به تزئین چارقد اضافه چارقد را بصورت مثلث لا نموده و به نحوی بر روی سر میگذارند که سمت راست گوشه آن بلند تر باشد و با استفاده از یک سوزن یا سنجاق قفلی در زیر چانه محکم می شود، سپس قسمت بلند تر سمت راست را به طرف شانه چپ انداخته و بر روی چانه می کشند. در هنگام کار دو طرف گوشه جلو چارقد را در دور گردن در پشت سر گره می زنند. امروزه استفاده از چارقد در میان جوانان و میانسالان کمتر استفاده می شود.

شال

از جنس نخ های ابریشمی در اندازه های 3×3 یا $1/5 \times 1/5$ متر در رنگهای متنوع و شاد که در اطراف چهار گوشه آن نیز طرح هایی توسط مهر و چاپ غیر از رنگ زمینه بر روی نقش بسته می شود.

پیشانی بند

از جنس ابریشمی و معمولاً "به رنگ سیاه است که از روی چارقد بر روی پیشانی بسته می شود. معمولاً" دستمال را بصورت نوار لا کرده سپس به نحو مخصوصی بر دور سر می پیچند و گره آن را در پشت سر می اندازند.

چادر شب

عبارت است از پارچه چهار گوش بصورت چهارخانه (خانه دار) در رنگه های شاد (آبی، قرمز و سفید) می باشد که به صورت مثلث تا کرده و دور تا دور کمر از روی لباس بسته می شود معمولاً "گره آخرین بر روی شکم بسته میشود.

چادر سیاه

از چادرهای معمولی نیمدایره ای که معمولاً "از سه تکه دوخته میشود، تخته بالایی، نیم تخته دایره ای پایین و دو لچک کناره نیم دایره که مخصوص مهمانی و مسافرت است از جنس ابریشمی، کرپ و ... دوخته می شود و در منازل و در سر کوچه و خیابان از این نوع و شکل چادر منتهی از جنس پارچه های نخی و کودری و رنگین دوخته و استفاده می شود.

۲-۲-۲- تن پوش زنانه

پیراهن

جنس پارچه جهت دوخت پیراهن عبارتست از ابریشم، کودری، جیت، ماهور و ... در رنگهای الوان و معمولاً "با گل های درشت معمولاً" پیراهن تا روی زانو دوخته می شود که در طرفین آن بند به اندازه یک و جب چاک می خورد و بر روی آن در مناطق روستائی با نوارهای سیاه رنگ و یا سکه های دو ریالی سکه دوزی می کنند. علاوه بر روی چاکها قسمت های پایین دامن پیراهن را نیز به اندازه ۳ سانت تا نموده اصطلاحاً کوبه می گویند. و بر روی آن نیز سکه می دوزند. قسمت جلوی پیراهن تا روی سینه باز میباشد که با استفاده از دگمه های قابلمه ای یا نر و ماده محکم می شد. امروزه با دست یا با ماشین های خیاطی جای دگمه ای باز می کنند.

یقه پیراهن به دور گردن

آستین ها ساده و بدون چین از قسمت سر شانه دوخته میشود، و دو قسمت زیر بغل نیز برای اینکه اندکی گشاد باشد یک تکه پارچه از جنس پارچه پیراهن به شکل مربع شکل تکه می دوزند. قسمت پایی میچ را نیز مقداری چین انداخته سپس یک تکه پارچه به دور میچ دست که به آن دستک می گویند، وصل نموده و با استفاده از دگمه باز و بسته میشود.

پیراهن بلند

همانند لباس های معمولی امروزی بصورت سرتاسری یا این که دو تکه، بالاتنه و قسمت دامن لباس است که قسمت بالاتنه تا روی کمر با دگمه باز و بسته می شود و قسمت پایین دامن چین دار است.

تومان یا شلته

از جنس پارچه های گلدار، حریری، کودری، چیت، وال و چیت روسی که معمولاً "به رنگ آبی است دوخته میشود. قسمت کمر را ابتدا مقداری با دست چین میدهند یا بصورت پلیسه تا میکنند. سپس به اندازه ۲ برابر دور کمر به آن کمر دوخته، مجدد از میان پارچه کمر، بند تومان عبور میدهند و در هنگام استفاده از دامن با شل نمودن گره تومان آن را باز می نمایند. قسمت پایین لبه دامن را با نوارهای سیاه رنگ اریب دوزی میکنند و یا اینکه بعد از تا کردن اندازه ۲ سانت چندین بار با چرخ خیاطی به صورت زیگزاگ میدوزند. معمولاً "در سابق مقدار سه یا چهار دامن از روی هم پوشیده میشد و بلندای دامن تا روی میچ پا میشد. نوعی از این تومان ها در قسمت دامن یک تکه پارچه داشته است که به آن پاچه بند می گفتند که عملکرد زیر پوش را دارد. به این نوع دامن باغلی تومان میگویند.

کت

همانند کت های معمولی مردانه است که برای زنان از نوع مخملی دوخته میشد و قسمت یقه کت ها نیز به صورت یقه برگشته است که معمولاً "یقه کت را با سکه های قلاب دار ۲ ریالی تزئین میکنند و بعضاً "در جیب و دور گردن یقه برگشتی را نیز سکه میدوزند. این نوع کت ها در روی سینه و روی کمر تعداد ۴ جیب داشته و بعضی از زنان مسن در قسمت داخلی مابین آستر و رویه نیز جیب مخملی تعبیه میکنند که محل نگهداری پول خرد و ... می باشد.

جلیقه

از جنس پارچه مخملی به رنگ های قرمز، مشکی و سبز دوخته میشد، یقه ها بصورت هفت که با زایده ای از جنس پارچه جلیقه به صورت برگردان به آن اضافه میشد. جیب ها نیز در روی کمر ۲ عدد و روی سینه ۱ عدد تعبیه میشد

که معمولاً "سر جیب ها را نیز تکه ای زاید بر روی آن دوخته میشد. روی سینه و دور تا دور پایین دامن را نیز سکه دوزی میکردند. معمولاً بعضی ها قسمت پشت جلیتقا را از پارچه های مشکی و قرمز دوخته و قسمت جلویی جلیتقا را از مخمل میدوختند. امروزه استفاده از جلیتقا در میان زنان کمتر مورد استفاده قرار می گیرد.

ژاکت

از جنس کاموا که توسط زنان با استفاده از دو میل از پشم های گوسفند که خود رسیده اند و یا به صورت آماده از بازار خریداری می شود، بافته میشود که در قسمت جلو باز بوده و با دگمه باز و بسته میشود. البته استفاده از ژاکت های آماده شهری و کت های ماهوتی مشکی رنگ بیشتر کاربرد دارد.

پیراهن

از جنس کاموهای معمولی که خود بافته اند یا این که به صورت آماده و به شکل جلو بسته از شهر خریداری میشود.

جوراب

زنان مسن و میانسال در حال حاضر نیز از جوراب های دست بافت پشمی که دست بافته خودشان است، استفاده می کنند. معمولاً از پشم و کرک گوسفند و بزغاله ها نخ های لطیف پشمی را میریسند و با انداختن نقوش ذهنی بر زیبایی آن می افزایند ولی جوانترها از جورابهای شهری و نازک استفاده میکنند که معمولاً از جنس نایلون و نخ میباشد.

دستکش

با استفاده از نخ های پشمی نازک دستکش های یک انگشتی می بافند و در فصول سرد زمستان بر دستها می کشند.

پاپوش زنانه

کفش های چرمی، لاستیکی، کتانی، پارچه ای، چکمه، چاریق، ... از معمول ترین پاپوش های زنانه آذربایجان شرقی و اردبیل است

۲-۳- لباس کار و شغل

مردان و زنان آذربایجان در هنگام انجام کارهای مختلف معمولاً از لباس های مخصوص آن کار استفاده میکنند

زنان روستایی آذربایجان در هنگام کارهایی مانند نان پزی از لباس های مخصوص نان پزی که شبیه لباسهای

معمولی است با پیش بند و نوعی دستبند که تا بازو را می پوشاند استفاده میکنند.

در کارهایی مانند تهیه سوخت زمستانی از لباس و دستکش های کهنه استفاده میکنند.

مردان در هنگام کارهایی مانند کشاورزی از لباس های کهنه با پیش بند کوتاه که روی شکم و پاها را می پوشاند استفاده میکنند

در هنگام کارهایی مانند آبیاری از چکمه های لاستیکی ساق بلند و برای شخم زنی از مچ بند و ساق بندهای پشمی و کفش چاروق استفاده می شود. در مشاغلی مانند آهنگری و قصابی از پیش بند استفاده میشود و آهنگران علاوه بر پیش بند از نوعی دستکش پارچه ای زمخت نیز استفاده میکنند.

۲-۴- لباس مراسم

معمولاً "مردان و زنان آذربایجانی در مجالس عزاداری و تعذیه از لباس مشکی استفاده می کنند. ولی در سالهای گذشته که لباس مشکی چندان متداول نبوده است زنان تنها از یک چارقد مشکی که بر سر می انداختند استفاده میکردند. در جشن ها و عروسی ها مردم آذربایجان سعی میکنند از بهترین و تمیزترین لباس های موجود خود استفاده نمایند بویژه زنان سعی می کنند از چارقد تازه و حدالامکان چادر و کفش تازه استفاده نمایند. در سابق که لباس عروسی قرمز رنگ می شد زنان با سلیقه لباس و پیراهن عروسی خود را به نحو احسن نگهداری می کردند و در هنگام جشن و سرور از آن استفاده میکردند.

۲-۵- منابع

- گزارش پوشاک مردم آذربایجان- سال ۱۳۹۱

- گزارش لباسهای سنتی در آذربایجان- سال ۱۳۹۲